



شرح ابن کمونه بر تلویحات سهروردی بررسی سه اثر چاپ شده*

یوپ لامیر**

ترجمه جواد قاسمی

یکی از اندیشمندان سده‌های میانه به نام سعد بن منصور بن کمونه (ف. ۶۸۳ هـ.)، تا همین اواخر در دنیای غرب بیشتر به سبب دو اثر خود شهرت یافته بود. یکی مقالة فی تنقیح الابحاث للملل الثلاث (که مقایسه‌ای است میان یهودیت، مسیحیت و اسلام)^۱، و دیگری رساله‌ای در اختلافات میان «قرائیان» و «ربانیان»، دو جریان فکری در یهودیت که اولی احکام شفاهی آن را می‌پذیرد، اما دومی آن‌ها را قبول ندارد^۲. هرچند ممکن است این دو رساله برای دانشجویان تاریخ یهود^۳

** Joep lameer, Leiden, the Netherlands.

* از استاد ویتکام در لیدن و دکتر محمدجواد اسماعیلی در تهران به خاطر اظهار نظرهایشان درباره نسخه پیشین این مقاله سپاس‌گزارم. حمایت و پشتیبانی از تهران در همه مراحل بسیار مهم بود.

۱. درج تاریخ‌ها در متن بر اساس تقویم تاریخ هجری قمری است. اگر سالی شمسی ذکر شود (بیشتر برای کتاب‌هایی که در ایران چاپ شده‌اند)، به آن اشاره خواهیم کرد. درمورد زندگی، آثار و تأثیر این کمونه، ر.ک: به اثر رضا پورجوادی و زبینه اشمیتکه، با عنوان:

A Jewish Philosopher of Baghdad. Izz al-Dawla Ibn Kammuna (d. 683/1284) and his writings. Leiden-Boston, 2006.

در این کتاب فهرست کاملی از آثار باقی‌مانده ابن کمونه (آثار فلسفی یا آثار دیگر)، محل نسخه‌ها، تصحیح متن‌ها، و مطالعات مربوط به آن، آمده است. بعلاوه، نویسندگان این اثر، تصحیح تحقیقی شماری از متون، نامه‌ها و اشعار را در آن گنجانده‌اند. ابن کمونه در روزگار خواجه نصیرالدین طوسی (ف. ۶۷۲) و نجم‌الدین کاتبی (ف. ۶۷۵) می‌زیسته و با آن‌ها مکاتباتی داشته است. ر.ک: رضا پورجوادی و زبینه اشمیتکه،

A Jewish Philosopher of Baghdad, 12-13, 118-124.

۲. همان، ص ۱۱۴-۱۰۶.

۳. همان، ص ۱۱۸-۱۱۴. گرچه قرائیان کنونی یهود امروز در مقایسه با شاخه اصلی ربانیان آنان، اقلیت بسیار کوچکی به شمار می‌روند، در روزگار ابن کمونه چنین نبوده است. اهمیت این رساله نیز از همین جاست.

۴. همواره این بحث بوده و هنوز هم هست که آیا ابن کمونه تباری یهودی داشته و بعداً اسلام آورده است یا نه. بحث کاملی از این موضوع را می‌توان در اثر رضا پورجوادی و زبینه اشمیتکه، ص ۲۳-۱۸ یافت که گفته‌اند به احتمال بسیار زیاد ابن کمونه مسلمان نشده است. بحث کاملی در این باره این موضوع را می‌توان در کتاب آقای رضا پورجوادی و زبینه اشمیتکه دید:

A Jewish Philosopher of Baghdad, 18-23.

در این اثر گفته می‌شود که به احتمال زیاد ابن کمونه به اسلام نگرویده است. این که آقای نجفقلی حبیبی یهودی بودن ابن کمونه را رد کرده است، به هیچ وجه منطقی نیست. وی می‌گوید نسخه‌های تنقیح الابحاث للملل الثلاث که در اروپا نگهداری می‌شوند، ممکن است به وسیله طرفداران یهود مخدوش شده باشد... ر.ک: نجفقلی حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه. تألیف ابن کمونه (سه جلدی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب. علوم و معارف اسلامی، ۵۵، تهران، ۱۳۸۷ ش.، ج ۱، ص ۳۴). سخن دیگر وی که تحقیقات غرب در فرهنگ و اندیشه اسلامی در مجموع غیر قابل اعتماد است (همان، ص سی‌وهشت)، بدون استدلال است و از جذابیت آن می‌کاهد.



دوره دوم، سال ششم، شماره پنجم و ششم، آذر - اسفندماه ۱۳۹۱

اهمیت داشته باشد، به نظر می‌رسد نوشته‌های ابن کمونه در زمینه فلسفه اسلامی بسیار بیش از مقالاتش در دین تأثیر داشته است. در این خصوص به‌ویژه باید از این آثار وی یاد کرد: ۱) شرح الاشارات، که شرح بر کتاب الاشارات و التنبیهاست ابن سیناست.^۵ ۲) الکاشف (الجديد في الحكمة)، که اثر فلسفی مستقلی است،^۶ و ۳) شرح التلویحات، که شرحی است بر کتاب التلویحات اللوحیة و العرشية، تألیف شهاب‌الدین سهروردی (ف. ۵۸۷). ابن کمونه می‌گوید در فلسفه هیچ معلمی نداشته است؛^۷ اما توانایی‌اش در نوشتار و اندیشه فلسفی چنان بوده است که عالمان بعدی مسلمان و هم‌عصرانش شرح او بر تلویحات سهروردی را با علاقه زیاد می‌خواندند.^۸

شهاب‌الدین سهروردی بدون شک یکی از اندیشه‌وران بزرگ فلسفه پس از دوران ابن سیناست. وی فعالیت علمی خود را از فلسفه مشاء ابن‌سینا در آثاری چون شفا و اشارات آغاز کرد و با تلفیق آن با عناصری برگرفته از نظام‌های فکری دیگر به حک و اصلاح آن پرداخت، در حالی که ابتکاراتی هم از خود داشت. بدین‌سان، شاخه جدیدی از فلسفه را پدید آورد که حکمت‌الاشراق خوانده می‌شود. در این‌جا مجال آن نیست که ویژگی‌های اصلی حکمت‌الاشراق را به تفصیل شرح دهیم. کافی است بگوییم که فلسفه اشراق در گذر زمان در گستره فلسفه اسلامی به‌ویژه در مکتب اصفهان با متفکرانی چون

میرداماد (ف. ۱۰۴۱) و صدرالدین شیرازی (ف. ۱۰۵۰) از شاخه مهمی در فلسفه حکایت داشت.^۹

سهروردی چهار اثر مهم در حکمت‌الاشراق نوشت:^{۱۰}

۱. التلویحات اللوحیة و العرشية

۲. المقاومات

۳. المشاعر و المطارحات

۴. حکمت‌الاشراق

همان‌طور که سهروردی خود اشاره می‌کند، علاقه‌مندان به فلسفه وی باید این آثار را به همین ترتیبی که در بالا آمده است بخوانند.^{۱۱} بنابراین، شرح بر تلویحات شرحی است بر اثری که در ابتدای سیر و سلوک علمی هر جوینده دانش در فلسفه سهروردی قرار می‌گیرد. شاید به همین دلیل است که دست‌کم سه شرح بر تلویحات نوشته شده است:

۱. شرح علامه حلی (ف. ۷۲۶)، که ظاهراً از میان رفته است.^{۱۲}

۲. شرح ابن کمونه، که بیش از پنجاه نسخه (کامل و ناقص) از آن باقی مانده است.^{۱۳}

۳. شرح تلویحات شهرزوری (ف. حدود ۶۸۷).

اگرچه این شرح در زمان ابن کمونه نوشته شده، وی هیچ‌گونه نشانه‌ای به دست نمی‌دهد که از وجود آن خبر داشته باشد.^{۱۴}

هلموت ریتز در سال ۱۹۳۷ میلادی چهار نسخه از شرح شهرزوری را در کتابخانه‌های استانبول یافت.^{۱۵} اخیراً به نسخه

۵. در مورد تصحیحی از این کتاب که زیر چاپ است، ر.ک: اثر پورجوادی و اشمیتکه: A Jewish Philosopher of Baghdad, 61

۶. نگاه کنید به تصحیح اخیر این اثر، به کوشش حامد ناجی اصفهانی، الکاشف (الجديد في الحكمة)، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۷ ش. تصحیحی قبل از این نیز به کوشش حمید مرعید الکبیری صورت گرفته است: الجديدي في الحكمة، تألیف سعد بن منصور بن کمونه. احیاء التراث الاسلامی، ج ۴۴، بغداد، ۱۹۸۲/۱۴۰۳. در مورد آثار دیگر ابن کمونه در زمینه فلسفه، ر.ک: به اثر رضا پورجوادی و زابینه اشمیتکه:

A Jewish Philosopher of Baghdad, 87-106

۷. همان، ص ۹، شماره ۴۴.

۸. همان، ص ۲۸ به بعد.

۹. در مورد مقدمه‌ای بر حکمت‌الاشراق و به خصوص سهروردی، ر.ک: حسین ضیائی، "Illuminationalism"، (گرایش به مکتب اشراق)، در Encyclopedia Iranica، به کوشش احسان یارشاطر، ج ۱۲ (نیویورک، ۲۰۰۴)، ص ۶۷۲-۶۷۰ و ج ۱۳ (نیویورک، ۲۰۰۶)، ۱-۲.

۱۰. به جز تلویحات، که بعداً به طور مجزا درباره‌اش سخن خواهیم گفت، چاپ‌های زیر وجود دارند که همگی از هانری کربن است. ر.ک: Opera Metaphysica et Mystica (شهاب‌الدین یحیی سهروردی)، که جلد اول آن (استانبول، ۱۹۴۵)، الهیات کتاب المقاومات (۱۹۲-۱۲۳)، و المشاعر و المطارحات (۵۰۹-۱۹۳) را در بر دارد؛ درحالی که جلد دوم (تهران - پاریس، ۱۹۵۲) متن کامل حکمت‌الاشراق (۲۶۰-۱) را آورده است.

۱۱. هانری کربن، مجموعة في الحكمة الالهية/ من مصنفات شهاب‌الدین یحیی بن حبش السهروردی

Opera Metaphysica et Mystica, vol. 1, xviii

۱۲. ر.ک: زابینه اشمیتکه، The Theology of 'Allama al-Hilli (d. 726/1325) (Islamkundliche Untersuchungen, vol. 152. Berlin, 1991), 59

[ترجمه فارسی، با عنوان: اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ترجمه احمد نمایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد ۱۳۷۸، ص ۶۵].

۱۳. برای نگاهی مختصر به آن، ر.ک: A Jewish Philosopher of Baghdad, 67-77

۱۴. ابن کمونه در نخستین سطرهای مقدمه‌اش بر شرح خود صریحاً می‌گوید تا آن‌جا که او می‌داند هیچ شرحی بر تلویحات پیش از شرح خودش نوشته نشده است.

۱۵. هلموت ریتز، «فقه اللغة نُه. دست‌نویس‌های آثار چهار سهروردی در کتابخانه‌های استانبول»

"Philologica IX. Die vier Suhrawardi. Ihre Werke in stambuler Handschriften" in Der Islam, 24/1937 (270-286), 273



دیگری از این شرح، این بار در کتابخانه دانشگاه لیدن در هلند با شماره قفسه ۵۷۸ OR، برخوردیم. این نسخه ۲۷۱ برگ دارد و در سال ۷۰۴ هجری قمری استنساخ شده است.^{۱۶} در فهرست‌ها این نسخه شرحی ناشناخته بر تلویحات سهروردی وصف شده است.^{۱۷} یکی بودن آن با شرح شهرزوری از طریق مقایسه نقل قول ریتز با نسخه لیدن ۵۷۸ OR ممکن شد. این نقل قول: و هذا آخر ما تيسر لنا من شرح كتاب التلويحات ... و قد قال صلعم رفع عن امتي الخطأ و النسيان و ما استكروهوا عليه...^{۱۸} از انتهای نسخه خطی نور عثمانیه ۲۶۹۴ است که همان عبارات موجود در برگ ۲۷۱b، سطرهای ۱۱-۱۰ و ۲۱-۲۰ را در خود دارد.^{۱۹} نسخه لیدن فقط شرح بخش‌های دوم (طبیعیات) و سوم (الهیات) تلویحات را دارد. این نسخه بدون نقطه (غیر مشکول)، اما با خطی خوانا نوشته شده است. شرح بر طبیعیات در انتهای مرصد سوم متوقف می‌شود. ظاهراً شرح بر مرصد چهارم از رونوشتی که این نسخه از آن تهیه شده افتاده است، زیرا در ترقیمه کوتاه برگ ۱۱۴b آمده است که رونویسی (این قسمت) در سال ۷۰۴ کامل شده. نسخه لیدن کهن‌ترین نسخه^{۲۰} تاریخ‌دار از شرح شهرزوری بر تلویحات سهروردی و بدین‌سان گواه عمده‌ای است بر تاریخ انتقال این متن. تا کنون شرح شهرزوری تصحیح نشده است. پس از ذکر مطالب بالا، اکنون به بررسی سه چاپ موجود

از شرح ابن کمونه بر تلویحات سهروردی می‌پردازیم. این نسخه‌ها به کوشش: (۱) سید حسین سید موسوی^{۲۱}، (۲) حسین ضیائی و الوشاح^{۲۲}، و (۳) نجفقلی حبیبی^{۲۳} تصحیح شده‌اند. و در صفحات زیر با همین ترتیب مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. اثر آقای موسوی نخستین تصحیحی است که تا آن زمان صورت گرفته بود. این اثر هر سه بخش شرح ابن کمونه را در بر دارد. مقدمه آن در آغاز بخش اول، حاوی اطلاعاتی است در مورد ابن کمونه (۱-۳)، پیوندش با هم‌عصرانش و تأثیرش بر قطب‌الدین شیرازی (ف. ۷۱۰) (۳-۶)، زمینه‌های «شبهه ابن کمونه» درباره کثرت واجب الوجود (۶-۹)، دیدگاه‌های ابن کمونه درباره نفس (۹-۱۵)، فهرست آثارش (۱۵-۲۲)، سخنی کوتاه درباره اهمیت تلویحات سهروردی (۲۲-۲۴) و گفتاری درباره منابع و شیوه تصحیح آن (۲۴-۲۵). این کتاب فهرست دارد اما کتاب‌شناسی ندارد.

در آغاز باید عزم و شهامتی را که البته برای شروع چنین طرحی لازم است تحسین کنم، به‌ویژه اگر فردی نخستین بار وارد قلمروی ناشناخته‌ای شده باشد. با این حال، برای طرح مهمی چون تصحیح اثری در سه فصل (فن)، مقدمه آقای موسوی رضایت‌بخش نیست. ذکر مختصر شرح حال ابن کمونه قابل توجیه است، زیرا، اطلاعات بسیار کمی درباره او داریم.^{۲۴} اما ایشان به جای این که جنبه‌های مهم شرحی

۱۶. ر.ک: به ترقیمه انتهای طبیعیات در برگ ۱۱۴b و در انتهای مابعدالطبیعه در برگ ۲۷۱b، که در پیوست، جزء ۳ و ۵ آمده است.

۱۷. ر.ک: P. Voorhoeve, *Handlist of Arabic Manuscripts*. در کتابخانه دانشگاه لیدن و مجموعه‌های دیگر در هلند [چاپ مبسوط دوم. هاگو/بوستون/لندن، ۱۹۸۰ (چاپ اول، ۱۹۵۷)]، ۳۶۲: ج. ویتکام،

Inventory of the Oriental Manuscripts of the Library of the University of Leiden, vol. 1 [Leiden, 2007], 244, as consulted at <http://www.islamicmanuscripts.info/inventories/Leiden/or01000.pdf> on 13 December 2011.

شایان ذکر است که در صفحه اول این نسخه، شارح به اشتباه ابن کمونه دانسته شده است. ر.ک: پیوست، جزء ۱.

۱۸. ریتز، «فقه اللغة نه». دست‌نویس‌های آثار چهار سهروردی در ... ص ۲۷۳.

۱۹. نگاه کنید به پیوست، جزء ۵.

۲۰. و این به سبب آن است که ریتز (همان) نسخه‌های دیگر را به صورت زیر توصیف می‌کند: (۱) استانبول، کوپرلی ۸۸۰، در ۲۹۵ برگ. پایان آن ناتمام است. ادعا شده که دست‌خط خود نویسنده است، اما تاریخ ندارد؛ (۲) استانبول، عاطف ۱۵۸۸، در ۱۵۷ برگ. بدون تاریخ است اما ریتز بر اساس قرائن تاریخ آن را سال ۷۲۴ نوشته است (با توجه به تعداد صفحات و اندازه برگ‌ها، تعداد سطرها در هر برگ، مقایسه با اطلاعاتی که ریتز از نسخه کوپرلی ۸۸۰ می‌دهد، این پرسش را در من به وجود آورده که آیا این نسخه خطی همه شرح یا فقط بخشی از آن را در بر دارد. ریتز هیچ‌گونه اطلاعاتی در این باره به دست نمی‌دهد؛ (۳) استانبول، نورعثمانیه ۲۶۹۳، در ۳۳۱ برگ. حدود سه برگ از انتهای آن افتاده است، مربوط به قرن دوازدهم می‌شود؛ (۴) استانبول، نورعثمانیه ۲۶۹۴، در ۳۷۷ برگ و در سال ۱۱۱۸ استنساخ شده است.

۲۱. سید حسین سید موسوی، التقیحات فی شرح التلویحات، تألیف ابن کمونه، در سه بخش. رساله دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ هجری شمسی، منتشر نشده است. نسخه‌ای از فایل متن آن، با لطف مصحح برایم ارسال شد.

۲۲. حسین ضیائی و احمد الوشاح، ابن کمونه، التقیحات فی شرح التلویحات،

Refinement and Commentary on Suhrawardi's Intimations. Bibliotheca Iranica. Intellectual Traditions Series, No 9. Costa Mesa CA, 2003.

۲۳. در خصوص جزئیات مربوط به کتاب‌شناسی آن، ر.ک: بالا، شماره ۴.

۲۴. نیز ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، 8، A Jewish Philosopher of Baghdad،



را که برای اولین بار چاپ می‌شود نشان دهد، توجه خود را تنها روی دو موضوع خاص معطوف داشته است: یکی شبهه ابن کمونه و دیگری اعتقادات وی درباره نفس. هرچند ممکن است این مسائل به خودی خود دارای اهمیت باشند، ارتباط مستقیمی با موضوع مورد بحث ندارند. این موضوع با توجه به این حقیقت آشکار می‌شود که این شرح خود در بحث‌های آقای موسوی مهم دانسته نمی‌شود. اگر بحث درباره این مطالب در اثری جداگانه مطرح می‌شد بسیار بهتر بود.

فهرست آثار ابن کمونه نیز منسجم و کامل نیست، و در مقایسه با بیست و دو عنوان ذکر شده در کتاب آقای پورجوادی و زابینه اشمیتکه (به استثنای نامه‌ها و اشعار) فقط دوازده عنوان را آورده است. این جای تعجب ندارد، زیرا برخی از آثار در ایران به صورت نسخه خطی موجود نیستند و آقای موسوی هم به بعضی از منابع خارجی که می‌توانسته‌اند در این زمینه به او کمک کنند، دسترسی نداشته است. جنبه مثبت فهرست آقای موسوی این جاست که وقتی پایان نامه خود را به اتمام رسانده (۱۳۷۶ ش./۱۹۹۷ م.)، بعضی از آثار فهرست شده هنوز چاپ نشده بودند، به گونه‌ای که ارائه فهرستی از مندرجات و ذکر نسخه‌ای خطی برای علاقه‌مندان به کار بیشتر در این متون بسیار سودمند می‌بود. این آثار مورد بحث عبارتند از:

۱. مقالة فی أن النفس لیست بمزاج البدن و لا کائن عن مزاج

البدن^{۲۵}

۲. مقالة فی ازیلة النفس^{۲۶}

۳. اللع الجوینية^{۲۷}

۴. المطالب المهمة من علم الحکمة^{۲۸}

آقای موسوی در انتهای مقدمه خود می‌گوید حدود سی نسخه از شرح ابن کمونه شناخته شده که باقی مانده‌اند^{۲۹}. متأسفانه ایشان فهرست دقیقی از این سی نسخه را در اختیار خوانندگان قرار نمی‌دهد. آقای پورجوادی و خانم اشمیتکه در بررسی نسخه‌های موجود از شرح تلویحات، ۵۳ نسخه خطی^{۳۰} را ذکر می‌کنند، حال آن‌که اثر منتشرشده اخیر آقای درایتی در زمینه نسخه‌های خطی ایران این امکان را به ما می‌دهد که سه نسخه خطی دیگر را نیز به این فهرست بیفزاییم^{۳۱}. آقای موسوی خود بیش از پنج نسخه خطی را نام نمی‌برد که «... با توجه به گزینه‌های موجود...» آن‌ها را بهترین نسخه‌ها می‌داند^{۳۲}. این نسخه‌ها در (جدول شماره ۱) آمده است.^{۳۳}

به گفته آقای موسوی، تاریخ نسخه کتابخانه احمد ثالث ۳۲۴۴ (۶۸۷)، صحیح نیست. طبق گزارش وی کارشناسان کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد این نسخه (یعنی میکروفیلم آن) را رؤیت کردند و به این نتیجه رسیدند که تاریخ شانزدهم جمادی الثانی سال ۶۸۷ هجری قمری، تاریخی است که نسخه اصل، که متن کتابخانه احمد ثالث ۳۲۴۴ رونوشتی از

۲۵. موسوی، التنیحات فی شرح التلویحات، ج ۱، ص ۱۶-۱۵، پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad 102-103، تصحیح انسیه برخواه، ازیلة النفس و بقاءها. تألیف ابن کمونه، تصحیح و تحقیق کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (تهران، ۱۳۸۵ ش.)، ص ۱۹۱-۱۴۹.

۲۶. موسوی، التنیحات فی شرح التلویحات، ج ۱، ص ۱، ۱۶؛ پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad 100-101، تصحیح برخواه، ازیلة النفس و بقاءها، ۱۴۸-۸۹.

۲۷. موسوی، التنیحات فی شرح التلویحات، ج ۱، ص ۱۷-۱۶؛ پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 95-98, 139-185، (تصحیح).

۲۸. موسوی، التنیحات فی شرح التلویحات، ج ۱، ص ۱۹-۱۷؛ پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 92-93، این متن را بعداً آقای موسوی خود تصحیح کرد که در خردنامه صدرا، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۸۲ ش، ص ۸۶-۶۴ چاپ شد. وی همچنین در مقدمه شرح تلویحات، فهرست مندرجات الکاشف (الجديد فی الحکمة) (۲۱-۱۹) را می‌آورد. گمان می‌کنم که ایشان از تصحیح الکیسی (بغداد ۱۴۰۳/۱۹۸۲)، خبر نداشته و آقای پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 89، به آن اشاره کرده‌اند.

۲۹. موسوی، التنیحات فی شرح التلویحات، ج ۱، ص ۲۴.

۳۰. پورجوادی و اشمیتکه، Jewish Philosopher of Baghdad, ۶۷-۷۷.

۳۱. مصطفی درایتی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) (۱۲ جلدی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ ش.)، ج ۶ ص ۵۵۶-۵۵۷؛ (۱) همدان، مدرسه غرب ۵۹۱، بدون تاریخ (ش. ۱۶۳۳۵۲)، ناقص؛ در مورد آن بنگرید به اثر محمد روشن و دیگران، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های رشت و همدان (تهران، ۱۳۵۳ شمسی)، (۲: ۱۳۳۳)؛ اصفهان، میناسیان ۱، قرن هفتم (ش. ۱۶۳۳۳۶). معلوم نیست این نسخه اکنون کجاست. ر.ک: G. Roper (ed.), World Survey of Islamic Manuscripts, vol. 1 [London, 1992], 472-73.

۳۲. قم، فیضیه ۸۶۲، ۱۰۳۰ (ش. ۱۶۳۳۴۰). بخش منطق این نسخه افتاده است و بعضی برگ‌های انتهای الهیات در آن وجود ندارد. در این خصوص بنگرید به اثر رضا استادی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم، جلد ۱ (قم ۱۳۹۶)، ۵۳-۵۲.

۳۳. موسوی، التنیحات فی شرح التلویحات، ج ۱، ص ۲۴-۲۵.

۳۳. در مورد این نسخه‌ها، نیز ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 67-77.



ردیف	نسخه‌های خطی	سال
۱	تهران، کتابخانه ملی ملک ۹۳۴	۷۰۴
۲	استانبول، کتابخانه احمد ثالث ۳۲۴۴	۶۸۷
۳	تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۱۸۴۹	۷۰۲
۴	مشهد، آستان قدس رضوی ۷۰۳	۷۰۵
۵	مشهد، آستان قدس رضوی ۳۴۷۰۰	۱۰۳۱

جدول ۱: نسخه‌های خطی مورد استفاده در چاپ آقای موسوی

آن است، در آن تاریخ استنساخ شده است. آن‌ها استنساخ آن را در ابتدای قرن هشتم هجری دانسته‌اند.^{۳۵}

آقای موسوی نسخه خطی تهران، کتابخانه ملی ملک ۹۳۴ را اساس تصحیح خود قرار داده است.^{۳۶} وی معیار خود را در انتخاب این نسخه‌ها توضیح نمی‌دهد، البته می‌بایست در ایران در دسترس می‌بودند (نسخه احمد ثالث سوم ۳۲۴۴ در استانبول به طور اتفاقی از روی میکروفیلم در دسترس قرار گرفته بود). از آن‌جا که نسخه‌های خطی شماره ۳ و ۵ ذکر شده بالا تنها قسمت طبیعیات و الهیات را دارند^{۳۷}، معیار دیگر باید این بوده باشد که یک نسخه از سه بخش دست کم باید دو بخش را داشته باشد. و لزوم تاریخ داشتن آن نیز به نظر می‌رسد نکته قابل ملاحظه‌ای باشد؛ اما براین اساس، در بادی امر دلیلی بر کنار گذاشتن نسخه‌های زیر وجود ندارد^{۳۸}:

۶. مشهد، آستان قدس رضوی ۱۱۵۲۳ (شامل بخش دوم و سوم)، به تاریخ ۱۲۹۸

۷. تهران، مجلس شورای اسلامی ۱۸۵۰ (شامل بخش دوم و سوم)، به تاریخ ۱۰۲۳

کنار گذاشتن نسخه زیر نیز چندان موجه نمی‌نماید:

۸. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه اهدایی مشکات ۲۷۳ (بخش‌های اول، دوم، اما فقط برگ اول بخش سوم را دارد)، به تاریخ ۹۶۱^{۳۹}

ظاهراً نسخه آستان قدس رضوی ۱۱۵۲۳ از نسخه‌ای مخدوش استنساخ شده است.^{۴۰} احتمالاً این دلیلی بوده است بر کنار گذاشتن آن از روند کار تصحیح. اما چرا شماره‌های ۷ و ۸ کنار گذاشته شده‌اند خوب توضیح داده نشده است. این امر بیش از همه نسبت به شماره ۸ صدق می‌کند که بخش‌های اول و دوم را در بر دارد و نسخه‌ای بسیار قدیمی است. من به یقین هیچ دلیلی نمی‌یابم که این نسخه از فرایند تصحیح کنار نهاده شود. در نتیجه باید گفت که آقای موسوی از چاپ‌های منطق و الهیات خود تلویحات نیز استفاده کرده است، بخش‌هایی که پیشتر به همت هانری کربن و آقای فیاض تصحیح شده بودند.^{۴۱}

تصحیح این شرح خود این تصور را در ذهن ایجاد می‌کند که تلاشی صادقانه برای کاری منصفانه بر اساس اطلاعات موجود صورت گرفته است. یادداشت‌های زیادی بر این متن زده شده است^{۴۲}. اما من با مقایسه شیوه کار آقای موسوی در متن با تصحیحی که آقای فیاض و هانری کربن از تلویحات به عمل آورده‌اند و آقای موسوی هم از آن‌ها استفاده کرده است (تنها منابع در اختیار بنده)^{۴۳}، دریافتیم که آقای موسوی

۳۴. این نسخه نیز شرح بر منطق را ندارد.

۳۵. موسوی، التلویحات فی شرح التلویحات، ج ۱، ص ۲۵. نمی‌دانم این نسخه بر مبنای چه اساس نسخه‌شناختی حدود ۵۰-۲۵ سال پس از آنچه در خود نسخه به آن اشاره شده، تاریخ خورده است. شاید کارشناسان گفته‌اند ابتدای قرن نهم نه هشتم هجری.

۳۶. همان، ص ۳۳.

۳۷. ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 68 and 74.

۳۸. درمورد این سه نسخه خطی، ر.ک: همان، ۶۹ و ۷۴.

۳۹. در واقع این تاریخ به عبارتی در باب تملک آن مربوط می‌شود و از این جهت باید پیش از آن نوشته شده باشد.

۴۰. ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 69.

۴۱. در مورد بخش منطق تلویحات که مورد استفاده آقای موسوی قرار گرفته، ر.ک: علی‌اکبر فیاض، منطق التلویحات، تألیف الشیخ شهاب‌الدین ... السهروردی. انتشارات دانشگاه تهران، ۲۷۰، تهران ۱۳۳۴ ش. با این که آقای فیاض به مقدمه تصحیح خود (در ص ۹۴) اشاره می‌کند، این مقدمه در نسخه پاکیزه منطق تلویحات که من آن را در هلند دیدم، نیامده است. بدین ترتیب، نمی‌دانم این تصحیح مبتنی بر چه نسخه‌هایی بوده است. وقتی با آقای دکتر اسماعیلی در تهران به بررسی آن پرداختیم، متوجه شدم که مقدمه آن احتمالاً به‌اشتباه از همه نسخه‌های این چاپ برداشته شده است. در مورد الهیات تلویحات که مورد استفاده آقای موسوی قرار گرفته است، ر.ک: مجموعه فی الحکمة الالهیة من مصنفات شهاب‌الدین یحیی سهروردی، Opera Metaphysica et Mystica، ج ۱، ص ۱۲۱-۱. بحث درباره نسخه‌های مورد استفاده کربن در صفحات شصت و دو تا هفتاد و سه همان جلد آمده است.

۴۲. موسوی، التلویحات فی شرح التلویحات، ج ۱، یادداشت ۲۱۴۰، ج ۲ یادداشت ۱۹۴۲، و ج ۳ یادداشت ۳۸۳۲.

۴۳. در سطرهای زیر در بخش چهارم، توضیح خواهم داد که چرا به نظر من تلویحات خود بهترین منبع برای تصحیح تلویحات موجود در شرح نیست.



در ده صفحه نخست تصحیح منطق قیاض، در سیزده مورد از قرائت‌های دیگر قیاض ذکر می‌آورد. در ده صفحه اول الهیات تصحیح کربن، من بیست و دو مورد از این موارد را یافتیم. ممکن است برخی از قرائت‌ها مهم نباشند، ولی برخی دیگر از آن‌ها جداً بر فهم ما از متن تأثیر می‌گذارند. من در این جا با استفاده از مخفف‌های *m*، *f*، و *c* برای متن‌های تصحیح شده، آنچه را در این جا یافته‌ام به ترتیب نشان می‌دهم^{۴۴}:

M یک ۴۱/۱۱ مجهولی القسمین - *F* ۲/۹ مجهول القسمین؛
M یک ۴۲/۱ بحث احوال المعانی - *F* ۲/۱۷ بحث المعانی؛
M یک ۴۲/۱۲ فلا یحوج - *F* ۳/۳ فلا محوج؛ *M* یک ۴۴/۲۰ و
 فی لغة العرب تتعذر - *F* ۴/۲ و فی لغة العرب قد تتعذر؛ *M* یک
 ۴۷/۳ و الجزئی - *F* ۴/۱۴ الجزئی؛ *M* یک ۴۸/۱۲ اسماً - *F*
 ۵/۱۰ اسماً؛ *M* یک ۴۸/۱۳ معنی مشترک بته - *F* ۵/۱۱
 معنی بته؛ *M* یک ۴۸/۱۵ کالنجر - *F* ۵/۱۴ کالبخر؛ *M* یک
 ۴۸/۱۷ الاولیة - *F* ۵/۱۷ اولیة؛ *M* یک ۴۸/۱۷ مشککة - *F*
 ۵/۱۷ متشکک؛ *M* یک ۵۳/۱۹ محموله - *F* ۷/۱۹ محمول؛
M یک ۵۷/۱ فصل - *F* ۹/۹ فصل؛ *M* یک ۵۷/۱ داخل - *F*
 ۹/۹ داخل؛ *M* سه ۱/۱۸ و لکن - *C* ۳/۷؛ *M* سه ۴/۱۶ و لا
 تعریف - *C* ۴/۷ و لا تعرف؛ *M* سه ۴/۱۶ الذی - *C* ۴/۸ الی؛
M سه ۴/۱۷ کلها اسماء - *C* ۴/۸ کلها من اسماء؛ *M* سه ۶/۱
 إمّا به - *C* ۵/۴ إمّا ما به؛ *M* سه ۹/۱۲ فسّمی - *C* ۶/۱۷ و
 یسمی؛ *M* سه ۹/۱۲ فی الخصب - *C* ۶/۱ فی الخطب؛ *M*
 سه ۱۲/۱۶ غایة الخلاف - *C* ۶/۱۶ غایة الخلاف و البعد؛ *M*
 سه ۱۴/۱۰ ماهیة - *C* ۷/۱۰ ماهیة؛ *M* سه ۱۴/۱۳ تتقدم
 علی هویة المعلولیة - *C* ۷/۱۴ تتقدم علی هویة ما حمل علیه
 المعلولیة؛ *M* سه ۱۴/۱۴ موضوعه - *C* ۸/۱ موضوعه؛ *M* سه
 ۱۶/۳ دون اعتبار بأن یوجب - *C* ۸/۳-۴ دون اعتبار ان یوجب؛
M سه ۱۶/۳ ترتیب - *C* ۸/۴ ترتیباً؛ *M* سه ۱۶/۱۰ هی اشهر -
C ۸/۱۳ فهی اشهر؛ *M* سه ۱۶/۱۱ فلا فصل - *C* ۸/۱۵ و لا
 فصل لها؛ *M* سه ۱۸/۲ و یسمی خطأ - *C* ۹/۳ یسمی خطأ؛

M سه ۱۸/۲ و مع الغرض - *C* ۹/۳ و مع العرض؛ *M* سه ۱۸/۵
 ظن انه انهما - *C* ۹/۸ ظن انهما؛ *M* سه ۱۸/۱۱ و اخذ فی حد -
C ۹/۱۷ و اخذ الذات فی حد؛ *M* سه ۲۱/۱۶ منه الثابت - *C*
 ۱۰/۱۱ منها الثابت؛ *M* سه ۲۱/۱۷ کالعلم - *C* ۱۰/۱۳ - کعلم
 العلیم؛ *M* سه ۲۱/۱۸-۱ و المصحاحیة و تسمی - *C* ۱۰/۱۵
 المصحاح و سمی.

اگر با همین روند پیش رویم، وضعیت مشابهی را می‌توان
 برای نسخه‌های خطی به دست آورد. این هم دشوار است، زیرا
 گزارشی دقیق از همه قرائت‌های دیگر در اصل بسیار مهم
 است. چرا که وقتی فکر کنیم می‌توان بعضی چیزها را رها
 کرد، هر قدر هم کم اهمیت بنمایند، معلوم نیست کار به کجا
 خواهد انجامید.

وقتی تصحیح آقای نجفقلی حبیبی را که در مباحث زیر به
 آن خواهیم پرداخت مورد بررسی قرار دادیم، کشف بسیار عجیبی
 کردم. زیرا هر جا آقای حبیبی می‌گوید بعضی از صفحات از
 قسمت مابعدالطبیعه نسخه مجلس ۱۸۴۹ افتاده‌اند^{۴۵}، آقای
 موسوی چنین خلئی را گزارش نمی‌دهد. بلکه حتی قرائت‌های
 دیگر مربوط به این بخش را هم ذکر می‌کند^{۴۶}. بر همین
 منوال، آقای حبیبی حدود ۱۹ صفحه پشت سرهم را ذکر
 می‌کند که از قسمت الهیات نسخه احمد ثالث ۳۲۴۴ افتاده
 است^{۴۷}. اکنون گرچه آقای موسوی با آقای حبیبی در مورد
 ابتدای این خلأ موافق است^{۴۸}، درباره انتهای آن چنین نیست،
 زیرا آن جا که آقای حبیبی خلأ را در صفحه ۳۰۱/۲، یا عجیب
 است که، در صفحه ۳۰۳/۱۰ از جلد سوم اثرش پایان می‌دهد،
 آقای موسوی انتهای خلأ را با نکته‌ای پایان می‌دهد که با
 چاپ آقای حبیبی، جلد سوم، ۲۸۸/۱ مطابقت دارد^{۴۹}. علاوه
 براین، از این جا و تا آن جا که آقای حبیبی انتهای خلأ را قرار
 می‌دهد، آقای موسوی حدود سی مرتبه در یادداشت‌هایش بر
 قرائت‌های احمد ثالث سوم ۳۲۴۴، مطلب ارائه می‌دهد. من
 نمی‌دانم این‌ها از چه چیز حکایت دارد، اما نسخه احمد ثالث

۴۴. من اشتباهات تاییی آشکاری که خیلی کم به‌خصوص در آغاز طبیعیات وجود دارد نمی‌بینم؛ ما تقریباً همیشه به جای «جهة»، با حرف تعریف یا بدون حرف تعریف، «جهة» را می‌یابیم.

۴۵. رک: زیر، شماره ۷۷. مقصود من از «صفحات» صفحات چاپ آقای حبیبی است.

۴۶. رک: موسوی، التفتیحات فی شرح التلویحات، ج ۲، ص ۲۱۵-۲۱۴، یادداشت‌های ۱۷۵۷، ۱۷۶۱، ۱۷۶۴، ۱۷۶۶، ۱۷۶۸، ۱۷۷۱، ۱۷۷۸، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۶.

۴۷. رک: زیر، ش ۷۷.

۴۸. موسوی، التفتیحات فی شرح التلویحات، ج ۳، ص ۱۳۲، شماره ۱۸۷۵.

۴۹. همان، ص ۱۳۴، شماره ۱۹۰۶.

سوم ۳۲۴۴ قطعاً باید در زمانی خاص در آینده مورد بررسی قرار گیرد.

و اما مشکلات دیگری هم وجود دارد.^{۵۰} من ده صفحه اول منطق، طبیعیات، و الهیات، سی صفحه (بزرگ) در همه را خواندم. و ملاحظه کردم که تصحیح آقای موسوی، صرف نظر از اشتباهات چاپی که اجتناب‌ناپذیر است، در بازگرداندن مرجع صفات و افعال به فاعل‌های خود چندان دقیق نیست. فکر می‌کنم علت بسیاری از قرائت‌های مشکل‌ساز از همین جهت است و به همه سه بخش کتاب اثر می‌گذارد. فکر نمی‌کنم صفحه‌ای باشد که دست کم پنج مرتبه این پدیده مشاهده نشود. به نظر نمی‌رسد این خیلی زیاد باشد ولی در متنی حدود ۶۰۰ صفحه این امر به هیچ وجه پذیرفته نیست.

فکر می‌کنم چاپ آقای موسوی با وجود کاستی‌ها و این حقیقت آشکار که هرگز متن نهایی نخواهد بود، اقدام مهمی بوده است که می‌توان آن را نخستین گام مهم و نمونه‌ای شناخته‌شده برای تصحیحی درست و قابل اعتماد در آینده تلقی کرد.

تصحیح آقای ضیائی و الوشاح فقط مشتمل بر طبیعیات است که در سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ در Bibliotheca Iranica Series منتشر شد. آقای حسین ضیائی از علاقه‌مندان به فلسفه سهروردی و پیروان اوست، به گونه‌ای که چاپ این اثر چندان غیر منتظره نبود. گویا ایشان در نظر داشته است بخش الهیات شرح ابن کمونه را نیز تصحیح کند^{۵۱}؛ اما تا جایی که من می‌دانم تصحیح آن هیچ‌گاه منتشر نشد. چاپ آقای ضیائی دارای مقدمه‌ای است در چهل و هشت صفحه، همراه با متن عربی و یک فهرست. آقای جان والبرج از دانشگاه ایندیانا^{۵۲} این اثر را معرفی کرد، اما وی در بررسی و معرفی آن تنها به اهمیت موضوع به‌طور کلی و اهمیت متن به‌طور خاص پرداخته است. بنابراین، درباره کیفیت تصحیح، که البته مهم‌تر

از همه است هیچ چیزی نمی‌گوید.

مقدمه این اثر به ابن کمونه و شرحش بر تلویحات (۸-۱)، جایگاه تلویحات در برنامه‌های آموزشی سهروردی (۸-۱۵)، می‌پردازد و سپس برخی از موضوعات مورد بحث در این شرح را بررسی و تحلیل می‌کند (۴۶-۱۵)، و در نهایت با بحثی کوتاه درباره نسخه‌های مورد استفاده در این چاپ (۴۸-۴۶) کار خود را به پایان می‌برد. مطالب آقای ضیائی^{۵۳} درباره جایگاه و اهمیت ابن کمونه، به‌خصوص در مقام شارح تلویحات، بسیار کوتاه اما مهم و درست است^{۵۴}. نیز شرح کوتاه او در ساختار و اهمیت فلسفه اشراق را می‌توان به سبک «گفتاری برای ادای رسالت» دانست، اما به گمان من دیدگاه‌هایش درباره کاستی‌های تحقیقات قدیم در فلسفه اشراق در مجموع سودمند است. آثار هانری کربن و سید حسین نصر را که هر دو سخت بر ابعاد معنوی فلسفه سهروردی تأکید می‌ورزند، و البته بسیار ارزشمند است، باید با مطالعاتی که به بررسی نقش سهروردی در منطق و فلسفه طبیعی پرداخته‌اند مقایسه کرد. گمان من بر این است که انتشار شرح بر طبیعیات تلویحات ابن کمونه به منظور آن است که امکان ارائه برخی از این مطالعات فراهم شود. و مباحث آقای ضیائی درباره موضوعات انتخاب شده از این شرح سپس می‌تواند به منزله طرحی از خطوط کلی هرگونه مطالعه‌ای در خصوص نقش سهروردی در فلسفه طبیعی تلقی شود.

آقای حسین ضیائی در انتهای مقدمه شرح کوتاهی از نسخه‌های خطی استفاده شده در این چاپ می‌دهد. وی با این که اطمینان می‌دهد که «سنت رونویسی از التئقحات فی شرح التلویحات نسبتاً خوب جا افتاده بود و چندین نسخه از آن در مجموعه‌های گوناگون سراسر جهان نگهداری می‌شود...»، اطلاعات خود را در اختیار نمی‌گذارد. فقط می‌گوید: «اما شمار اندکی از این نسخه‌ها کامل‌اند»، که زمینه را برای معرفی پنج

۵۰. من نمی‌توانم وارد بعضی از قرائت‌هایی شوم که بر فهم ما از اندیشه‌های سهروردی یا ابن کمونه تأثیر می‌گذارد. این به سبب آن است که این قرائت‌ها اغلب قابل بحث‌اند و تقریباً هیچ‌گاه فقط «درست» یا «غلط» نیستند.

۵۱. ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 6, note 32.

۵۲. در Iranian Studies vol. 38/2005, 520-521.

۵۳. می‌دانم الوشاح در تصحیح و تألیف این اثر شرکت داشته، اما فکر می‌کنم مقدمه آن را آقای ضیائی نوشته است.

۵۴. تنها برداشت نادرست در این گفته او (در صفحه ۴۷) است که ابن کمونه تلویحات را در مدرسه نظامیه بغداد کامل کرده است. در این خصوص، ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 63 note 1.

نسخه خطی آماده می‌کند، یعنی:

ردیف	نسخه‌های خطی	سال
۱	نسخه اورشلیم، مجموعه یهودا ۲۰۱ ^{۵۵}	۷۰۲
۲	تهران، کتابخانه ملی ملک ۹۳۴	۷۰۴
۳	لیدن OR137	۷۳۶
۴	دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی ۲۷۳	۹۶۱
۵	کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۱۸۴۹	۷۰۲

جدول ۲: نسخه‌های خطی مورد استفاده در اثر آقای ضیائی و الوشاح

آورده‌اند یا خیر؟ تنها راهی که من می‌توانم در مورد این تصحیح به صورت یک قسمت از کار سخن گویم، از طریق مراجعه به یک یا چند منبع از آن است، به همان ترتیبی که در مورد تصحیح آقای موسوی انجام دادم. تنها نسخه‌ای که به آن دسترسی دارم (البته به طور قطع نه کم اهمیت‌ترین آن)، نسخه خطی لیدن OR137 است. بنابراین، کاری که من انجام داده‌ام از این قرار است: بیست صفحه نخست این چاپ را در نظر گرفته و آن را با قرائت‌های موجود در نسخه لیدن مقایسه کردم. و دریافتیم که در حدود پنجاه مورد، قرائت‌های این چاپ با نسخه OR137 لیدن مطابقت نمی‌کند، درحالی که در پانوش آن به این موضوع اشاره نشده است. بیست صفحه اول چاپ آقای ضیائی (Z) را با نسخه OR137 لیدن (L) مقابله کردم که نتیجه آن به شرح زیر ارائه می‌شود:

Z ۶/۲ مؤخذ- L ۱۷۷ ۲ یؤخذ؛ Z ۶/۷ یمكن فرض - L ۱۷۷ ۵ یمكن فیه فرض؛ Z ۶/۸ مقاطعة - L ۱۷۷ ۵ متقاطعة؛ Z ۷/۱-۲ ۱۷۷ ۱۰ یفرض (X۳)؛ Z ۷/۵ لا قید - L ۱۷۷ ۱۲ لا قید؛ Z ۷/۶ الجوهر فی التعریف - L ۱۷۷ ۱۳ الجوهر فی هذا التعریف؛ Z ۸/۴ القائم - L ۱۷۷ ۱۸ الرسم؛ Z ۸/۶ عنها - L ۱۷۷ ۱۹ بما؛ Z ۹/۸ للسطح - L ۱۷۷ ۲۸ بالسطح؛ Z ۹/۱۱ و الفرض - L ۱۷۷ ۲۹ و العرض؛ Z ۹/۱۱ یزاء علی السطح - L ۱۷۷ ۳۰ یزاء السطح؛ Z ۹/۱۱ للاقصر - L ۱۷۷ ۳۰ لاقصر؛ Z ۹/۱۲ المحيطین - L ۱۷۷ ۳۰ المحيطین؛ Z ۹/۱۶ العریض ظهر - L ۷۷ ۱ العریض العمیق ظهر؛ Z ۱۰/۱۴ عریضیته - L ۷۷ ۱۲ عرضیة؛ Z ۱۰/۱۵ و إلا شبهه - L ۷۷ ۱۳ و إلا شبهه؛ Z ۱۰/۱۵ إشاعا - L ۷۷ ۱۳ اتباعا؛ Z ۱۱/۴-۵ و هو الحد الذی لا یتجزی - L ۷۷ ۱۶ و هو الجزء الذی لا یتجزأ؛ Z ۱۱/۱۰ و بالقطع - L ۷۷ ۱۹ و القطع؛ Z ۱۱/۱۱-۱۲ ارباب الکلام - L ۷۷ ۲۰ ارباب علم الکلام؛ Z ۱۱/۱۴ ینتفع فیه - L ۷۷ ۲۲ ینتفع به؛ Z ۱۲/۲ فی جسم - L ۷۷ ۲۴ فی کل جسم؛ Z ۱۲/۱۳ لا ینقسم - L ۷۷ ۳۱ لا ینقسم؛ Z ۱۳/۳ لا غیره - L ۷۸ ۳ لا غیر؛ Z ۱۳/۸ بل تماس - L ۷۸ ۶ بل یماس؛ Z ۱۱-۱۳/۱۰

شایان ذکر است که آقای ضیائی ظاهراً از چاپ آقای موسوی خبر نداشته است، زیرا در مقدمه آن آمده است که شرح ابن کمونه بر طبیعیات تلویحات اکنون نخستین بار چاپ می‌شود^{۵۶}، و نیز علت این را که نسخه احمد ثالث ۳۲۴۴ و آستان قدس رضوی ۷۰۰ و ۷۰۳ ذکر نشده‌اند بیان می‌دارد. اما اگر به پنج نسخه بالا اکتفا کنیم، به نظر می‌رسد انتخاب نسخه ۹۳۴ کتابخانه ملی ملک توسط آقای ضیائی به عنوان اساسی برای این تصحیح مبتنی بر تاریخ، خوانا بودن دستخط و نیز این حقیقت بوده است که این نسخه با یک یا چند نسخه خطی دیگر مقابله شده است. با این حال، نسخه ملی ملک ۹۳۴، (به جز چند سطر آخر)^{۵۷} هیچ کدام از قسمت‌های تلویح اول طبیعیات را ندارد، ولی مصححان به این واقعیت مهم اشاره نکرده‌اند. اکنون اگر ما مثلاً نسخه لیدن ۱۳۷ را در نظر گیریم می‌بینیم که این نسخه درست همان طور که قدیمی است کامل هم هست، خطی روشن و خوانا دارد و با نسخه‌های خطی دیگر نیز مقابله شده است^{۵۸}. من نمی‌دانم چرا مصححان اصرار داشته‌اند نسخه ۹۳۴ کتابخانه ملی ملک را اساس کار خود قرار دهند.

در هر حال، سؤال اصلی این است که آیا آقای ضیائی و الوشاح متن قابل قبولی را بر اساس اطلاعات موجود پدید

۵۵. مجموعه ابراهام شالوم یهودا در Jewish National and University Library در اورشلیم را نباید با بخش یهودای مجموعه گارت در کتابخانه دانشگاه پرینستون اشتباه گرفت.

۵۶. ضیائی و الوشاح، ابن کمونه، التتقیحات فی شرح التلویحات، ص ۴.

۵۷. رک: بخش چهارم، زیر.

۵۸. رک: پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 73.



با تحقیقات پیشین می‌دانم که تمایل بیشتری به معنویت دارد.

بخش چهارم، تصحیح آقای حبیبی

سومین و آخرین چاپ این اثر تصحیح آقای نجفقلی حبیبی است که حدود سه سال پیش منتشر شد.^{۵۹} این اثر هر سه قسمت شرح ابن کمونه را دارد و تا حد زیادی بلندپروازانه‌تر از همه است. هر جلدی از آن مقدمه و فهرستی مخصوص به خود دارد، و پیش از مطالب مربوط به منطق جلد اول، مقدمه‌ای بر شرح به طور کلی نوشته شده است. مقدمات مجزای هر جلد در واقع چیزی بیش از خلاصه‌ی مباحث کتاب نیستند و در آن‌ها هیچ تحلیلی از هیچ یک از دیدگاه‌های فلسفی ابن کمونه یا سهروردی صورت نمی‌گیرد.

مقدمه کلی جلد اول اطلاعاتی در مورد زندگی، آثار و به‌خصوص شرح تلویحات ابن کمونه به ما می‌دهد و با بحث درباره نسخه‌های خطی استفاده شده در این تصحیح پایان می‌پذیرد. به خوانندگان توصیه می‌شود به اثر مشترک آقای رضا پورجوادی و خانم اشمیتکه نیز مراجعه کنند، زیرا بسیاری از اطلاعات کتاب‌شناختی آقای حبیبی باید بر اساس اطلاعاتی که آنان داده‌اند، ارزیابی و تحلیل شود.

این موضوع بلافاصله مرا به سمت خود تصحیح می‌کشاند. چنان‌که تنها برای کسانی که به تصحیح آقای موسوی دسترسی دارند معلوم است، آقای حبیبی یکی از استادان مشاور رساله دکتری آقای موسوی بوده است.^{۶۰} خواهیم گفت که اگر استادی بخواهد از قسمتی از رساله دکتری که خود مشاور آن بوده است مطلبی بگیرد، هرچند با تغییرات عمده‌ای همراه باشد، بعضی از الزامات اکید اخلاقی وجود دارد که باید رعایت شود. مثلاً می‌توان از مؤلف اصلی دعوت کرد تا در نوشتن کتاب جدید با او همکاری کند یا یادداشت کوتاهی بر آن بنویسد. می‌توان مقدمه را این‌طور آغاز کرد که شخص چگونه ابتدا وارد این موضوع شده است. اما فرد باید حداقل مطالعات قبلی را به صورت کاری تحقیقی مورد بحث و بررسی قرار دهد. آقای حبیبی هیچ یک از این کارها را انجام نداده است. در مقدمه جلد اول کتاب فقط سه سطر به کار آقای

کل جوهر و لا یبقی فی العالم فلا یبقی حجاب - ۸ ۱۷۸ L
کل جوهر فلا یبقی حجاب؛ Z ۱۳/۱۵ جوهر فردا - ۱۷۸ L
۱۰ جواهر افراد؛ Z ۱۴/۲ یحجبهما - ۱۳ ۱۷۸ L یحجبها؛ Z ۱۴/۲ القی - ۱۳ ۱۷۸ L لقی؛ Z ۱۴/۳ و کل ما - ۱۴ ۱۷۸ L و کلما؛ Z ۱۴/۱۰ فتنماس - ۱۸ ۱۷۸ L فیتماس؛ Z ۱۵/۳-۴ ان لقی کلیهما - ۲۳ ۱۷۸ L ان لقی کل کلیهما؛ LZ ۱۵/۶-۷ واحد محفوف بسته جواهر و یفرض - ۲۴ ۱۷۸ L واحدا محفوف بسته و یفرض؛ Z ۱۵/۱۱ عند الحاذی - ۱۷ ۱۷۸ L عند التحاذی؛ Z ۱۵/۱۵ متجاوزین من - ۲۹ ۱۷۸ L متجاوزین عن؛ Z ۱۵/۱۷ ذکرناه - ۳۰ ۱۷۸ L ذکرنا؛ Z ۱۶/۶ منقسما - ۷۸ L ب ۳ ممتنعاً؛ Z ۱۷/۱ ثانیة - ۷۸ L ب ۷ ثانیة؛ Z ۱۷/۱ اعتبار فی ذلک - ۷۸ L اعتبار طرفی ذلک؛ Z ۱۷/۳ فظاهر - ۷۸ L و ظاهر؛ Z ۱۷/۹ هذا - ۷۸ L ب ۱۲ هذه؛ Z ۱۷/۱۴ أما أن - ۷۸ L أما أن (اما ان)؛ Z ۱۸/۴ فاما - ۷۸ L ب ۱۸ فاما (فاما)؛ Z ۱۸/۸ احد الدائرین - ۷۸ L ب ۲۰ احدى الدائرین؛ Z ۱۸/۱۲ تكون القطبیه - ۷۸ L ب ۲۳ یكون القطبیه؛ Z ۱۸/۱۵ تفکک - ۷۸ L ب ۲۵ تتفکک؛ Z ۱۹/۲ یتفقر - ۷۸ L ب ۲۷ مفتقر؛ Z ۱۹/۳ الجوهر الافراد - ۷۸ L ب ۲۷ الجواهر الافراد؛ Z ۱۹/۵ لاتعجزها - ۷۸ L ب ۲۸ لا یعجزها؛ Z ۲۰/۱ ما یحس ما فیها - ۷۹ L ب ۳ ما یحس فیها؛ Z ۲۰/۲-۳ نقص الاجزاء لبعض - ۷۹ L ب ۴ بعض الاجزاء البعض؛ Z ۲۰/۵ یسفی - ۷۹ L ب ۶ یسمن.

بدین‌سان، در این‌جا حدود پنجاه قرائت متفاوت از نسخه لیدن OR137 وجود دارد که در چاپ آقای ضیائی نیامده است. خواننده با بررسی دقیق‌تر یافته‌های بالا در خواهد یافت که مطالب حایز اهمیت اندکی برای فهم این متن وجود دارد. با این نتیجه‌گیری در مورد پنج نسخه خطی (این چاپ به قرائت‌های متفاوت اندکی اشاره دارد)، و با توجه به این حقیقت که این چاپ مشتمل بر ۴۵۰ صفحه می‌شود (حدود ۲۲ برابر کتابی که در بالا مورد بررسی قرار گرفت)، جز این نمی‌توانم استنباط کنم که تصحیح آقای حسین ضیائی در نهایت پا برجا نخواهد ماند. این امر مایه تأسف بیشتر است، زیرا من نگرش او نسبت به فلسفه سهروردی را در این زمینه وسیله سنجشی

۵۹. در مورد جزئیات کتاب‌شناسی این چاپ، ر.ک: بالا، شماره ۴. آقای حبیبی بر این باور است که عنوان التلویحات فی شرح التلویحات صرفاً نسبت به شرح شهرزوری استفاده می‌شود نه شرح ابن کمونه. ر.ک: شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۱، صفحه شصت و یک.
۶۰. سیدحسین سیدموسوی، التلویحات فی شرح التلویحات، ج ۱، ۲-۱.

ردیف	نسخه‌های خطی	سال
۱	استانبول، نسخه کتابخانه احمد ثالث ۳۲۴۴	۶۸۷ ^{۶۵}
۲	دمشق، کتابخانه ملی سوریه ^{۶۶} ۷۸۸۵	۶۹۰
۳	تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی ^{۶۷} ۱۸۴۹	۷۰۲
۴	تهران، کتابخانه ملک ۹۳۴	۷۰۴
۵	مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی ۷۰۳	۷۰۵
۶	دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی ^{۶۸} ۲۷۳	۹۶۱ یا جلوتر

جدول ۳: نسخه‌های خطی مورد استفاده در چاپ آقای حبیبی

نیز وی به الهیات تلویحات چاپ کرین اشاره دارد.^{۷۱} آقای حبیبی خوب می‌داند که نسخه‌های بسیار بیشتری از این شرح موجودند، اما از آن‌جا که پنج نسخه از شش نسخه ذکر شده بالا «چاپ‌های قدیمی ... و انتقادی» هستند، وی از آن‌ها بسیار راضی است.^{۷۲} در هر حال، وی نیز می‌گوید که همه نسخه‌های خطی بالا کاستی‌هایی دارند، مثل افتادگی کلمات یا عبارت‌ها در بعضی موارد یا اشتباهات آشکار از طرف کاتب.^{۷۳} به گفته آقای حبیبی این کاستی‌ها نمی‌گذارد یک نسخه خطی به منزله نسخه اصل برای تصحیح انتخاب شود. به همین دلیل است که تصمیم می‌گیرد متن را بر اساس داوری شخصی خود استوار سازد، در حالی که خود در بعضی موارد دشوار به سنت مکتوبی اشاره دارد که این کمونه به هنگام نوشتن اثرش به احتمال زیاد به آن دسترسی داشته است.^{۷۴} چنان که پیش از این گفتیم، از شرح ابن کمونه نسخه‌های بسیار بیشتری

موسوی اختصاص داده شده است و نه بیشتر.^{۶۱} در این سه سطر هم آقای حبیبی از نقش خود در رساله آقای موسوی سخن نمی‌گوید. من وقتی سرانجام رساله آقای موسوی را به دست آوردم تا حدودی شگفت‌زده شدم و همه این‌ها برایم روشن شد. باید افزود که انصافاً آقای حبیبی کارهای آقای فیاض، ضیائی و الوشاح را نیز مورد بحث قرار نمی‌دهد. اصلاً ذکر می‌هم از آن‌ها به میان نمی‌آید. و این امر این تصور را به وجود می‌آورد که ایشان به تحقیقات گذشته درباره متنی که می‌خواهد تصحیح کند توجه زیادی نداشته است.^{۶۲}

حال بازگردیم به کار تصحیح و به خصوص به انتخاب نسخه‌های خطی در چاپ آقای حبیبی. اگر به مقدمه کلی اثر نگاه کنیم، می‌بینیم که آقای حبیبی در جاهای گوناگون به اثر آقای پورجوادی و خانم اشمیتکه A Jewish Philosopher of Baghdad اشاره می‌کند.^{۶۳} بنابراین، وی همچنین باید فهرست آنان از بیش از پنجاه نسخه خطی موجود شرح ابن کمونه را دیده باشد، که حدود پانزده نسخه آن ظاهراً مشتمل بر کل مبحث منطق، طبیعیات و مابعدالطبیعه می‌شود. با این حال، وی تنها شش نسخه خطی را مورد توجه قرار می‌دهد.^{۶۴} (جدول شماره ۳)

نسخه خطی دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی ۲۷۳، در تصحیح شرح الهیات مورد استفاده قرار نگرفت، زیرا این قسمت آن افتاده است. از طرف دیگر، نسخه ۱۸۴۹ مجلس بحث منطق را در بر ندارد. آقای حبیبی یک نسخه خطی دیگر از خود تلویحات، یعنی نسخه ۱۱۴ مجلس (مورخ ۶۰۷) را به شش نسخه بالا اضافه می‌کند.^{۷۰} در خصوص بخش الهیات

۶۱. حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۱، صفحه شصت و شش.

۶۲. البته احتمالاً آقای حبیبی نمی‌خواسته است به‌طور آشکار این مؤلفان را مورد انتقاد قرار دهد، اما باز هم این کار با تحقیق علمی سازگار نیست.

۶۳. حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۱، صفحه سی و یک، سی و چهار، و سی و شش تا شصت.

۶۴. حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۱، صفحه پنجاه و هشت تا شصت.

۶۵. درباره تاریخ این نسخه نگاه کنید به مطلب قبلی در بخش دوم.

۶۶. کتابخانه ظاهریه اکنون جزئی از کتابخانه ملی سوریه است. ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad، صص ۷۷ و ۲۶۳.

۶۷. این نسخه قسمت منطق را ندارد.

۶۸. پورجوادی و اشمیتکه A Jewish Philosopher of Baghdad، 74؛ مشکات، ۲۷۳.

۶۹. این نسخه فقط یک صفحه از شرح بر الهیات را دارد.

۷۰. حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۱، صفحه پنجاه و هشت.

۷۱. همان، ج ۳، ص بیست و هشت.

۷۲. همان، ج ۱، ص پنجاه و هشت.

۷۳. همان، ص شصت.

۷۴. همان.



وجود دارد. اکنون پانزده صفحه از شرح بر الهیات فقط بر اساس سه نسخه تصحیح شده است، نسخه مجلس ۱۸۴۹، نسخه کتابخانه ملک ۹۳۴، و نسخه آستان قدس رضوی ۷۰۳، حال آن که مصحح به طور صریح به این موضوع اشاره نمی کند.^{۷۵} همچنین، توصیف نسخه‌ها در مقدمه هریک از این سه جلد نشان می دهد که کاستی‌های عمده دیگری نیز در آن وجود دارد، مانند افتادگی برگ‌های نسخه یا بخش‌هایی که با دست خطی بعدی نوشته شده است.^{۷۶} و علاوه بر این، نقص‌های عمده‌ای وجود دارد که تنها در پانوشته‌ها به آن اشاره شده است.^{۷۷}

بسیار خوب، حال ببینیم کیفیت تصحیح چگونه است. فکر می کنم ما می توانیم با استفاده از معیارهایی که با اهداف و آرزوهای مصحح مطابقت دارد درباره کیفیت تصحیح آقای حبیبی داوری کنیم. از مقدمه آن آشکار می شود که وی روش التقاطی را بر گزیده است.^{۷۸} استفاده از روش التقاطی هیچ کدام از شواهد موجود را از پیش بر شواهد دیگر برتری نمی دهد، و معمولاً عناصر زیر مورد توجه قرار می گیرد: قدمت (هرچه نسخه قدیمی تر باشد بهتر است)، منشأ جغرافیایی (هرچه نسخه‌ای پراکندگی بیشتری داشته باشد، بهتر است)، غالب بودن یک قرائت (هرچه توافق بیشتری در یک قرائت باشد، بهتر است)، و مسأله مقابله (اگر مقابله شده باشد، بهتر است). مصحح سپس این عناصر مختلف را با یکدیگر مقایسه می کند تا متنی فراهم آورد که تا حد امکان نزدیک به متن از دست رفته

اصلی به شمار آید. حال بر اساس این معیارها، ارزیابی شواهد تصحیح آقای حبیبی چیست؟ بسیار خوب، از یک جهت به نظر می رسد تعداد شواهد گردآوری شده در «دسترس» قرار گرفته شده برای تصحیح، بدون آن که ضرورت داشته باشد اندک است. به نظر من این حقیقت مهم خوب توضیح داده نشده است. از طرف دیگر، نسخه‌های خطی استفاده شده، به استثنای احتمالاً نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲۷۳، که می دانیم باید در سال ۹۶۱ هجری یا قبل از آن استنساخ شده باشد، قدیمی هستند. اما از شش نسخه فقط در دو نسخه علائم مقابله دیده می شود: نسخه کتابخانه احمد ثالث استانبول ۳۲۴۴، قرائت متفاوت دست کم الهیات تلویحات را در خود دارد، چنان که خود ابن کمونه به آن اشاره کرده است.^{۷۹} در حالی که همه متن کتابخانه ملی ملک ۹۳۴، به وسیله کاتب با نسخه‌های خطی دیگر مقابله شده.^{۸۰} بنابراین، از شش نسخه فقط یک نسخه به طور کامل مقابله شده است. در مورد منشأ آن، از میان شش نسخه فقط از سرچشمه سه نسخه خبر می دهد، در حالی که دو مورد آن‌ها در یک شهر استنساخ شده اند: ۱- بغداد (دمشق، کتابخانه ملی ۷۸۸۵)،^{۸۱} و تهران، کتابخانه ملی ملک ۹۳۴^{۸۲} و ۲- تبریز (مشهد، آستان قدس ۷۰۳^{۸۳}). با این وصف، گمان می کنم آقای حبیبی می بایست دست کم نسخه‌های خطی دیگر زیر را برای روش التقاطی خود در نظر می گرفت، به ویژه که همه این نسخه‌ها (ی اولیه) برای او شناخته شده بوده‌اند. (سال در

۷۵. این نتیجه از ارجاعات آقای حبیبی به دست می آید، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۳، ص ۲۷۱، شماره ۷، ص ۲۸۲، شماره ۱، ص ۳۰۰، شماره ۱ و ص ۳۰۱، شماره ۱.

۷۶. همان، ج ۱، صص پنجاه و هشت تا شصت؛ ج ۲، ص سی تا سی و ده؛ ج ۳، صص بیست و هفت تا بیست و هشت.

۷۷. به اشکالات زیر فقط در پانوشته‌ها اشاره شده است: ۱. هشت صفحه طبعیات از نسخه خطی مجلس ۱۸۴۹ افتاده است (ر.ک: ج ۲، ص ۶ شماره ۲؛ ص ۳۱۳، شماره ۸ «صفحات»، صفحات چاپ آقای حبیبی است)؛ ۲. چهار صفحه از الهیات از نسخه مجلس ۱۸۴۹، افتادگی دارد (ر.ک: ج ۳، ص ۲۷، شماره ۸)؛ ۳. چهل و چهار صفحه اول الهیات از نسخه آستان قدس رضوی ۷۰۳ با دست خطی در مراحل بعدی نوشته شده است (ر.ک: ج ۲، ص ۴۴، شماره ۲). در این جا ابهامی وجود دارد، زیرا آقای حبیبی می گوید: «از ابتدای شرح» این می تواند شرح بر قضیه‌ای که درست فرض شده یا بر کل شرح بر الهیات تا این جا باشد. من مطالب او را به مفهوم اخیر درک می کنم؛ ۴. متجاوز از ۵۰ صفحه اول الهیات نسخه آستان قدس رضوی ۷۰۳، مشتمل بر نقل قول‌های کامل از تلویحات نمی شود (ر.ک: ج ۳، ص ۵۰، شماره ۵)؛ ۵. حدود سی صفحه از الهیات از نسخه کتابخانه ملی دمشق ۷۸۸۵، افتادگی دارد (ر.ک: ج ۳، ص ۲۷۱، ش ۷)؛ ۶. نوزده صفحه از الهیات از نسخه خطی استانبول احمد ثالث ۳۲۴۴ افتادگی دارد (ر.ک: ج ۳، ص ۲۸۲، شماره ۱). همچنین بنگرید به اطلاعات تا حدودی متعارض در ص ۲۸۵، شماره ۱).

۷۸. بنابر روشی دیگر، به نام روش نسب‌شناختی، هدف تثبیت «شجره» (شجره‌نامه) شواهد موجود مبتنی بر این اصل است که خطاهای مشابه منشأ مشابه دارند.

۷۹. پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 68 با اشاره به الهیات تلویحات به تصحیح کربن. همان، ص ۷۴.

۸۱. پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 77

۸۲. پورجوادی و اشمیتکه، A Jewish Philosopher of Baghdad, 74؛ حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۱، ص پنجاه و نهم.

۸۳. حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۱، ص پنجاه و نهم.



من در این مورد به آن مراجعه کرده ام (= چاپ آقای حبیبی).
ح یک ۲/۱ الاصحاب یا اصحابی؛ ح یک ۲/۱ علی یا الی؛ ح
یک ۲/۵ للکتاب یا الکتب؛ ح یک ۳/۱۲ للخطبة یا الخطبة؛ ح
یک ۴/۱ اذ یا اذا؛ ح یک ۵/۲ السیاده یا السفارة؛ ح یک ۵/۲۰
لم يحصل له خلق یا لم يحصل خلق؛ ح یک ۹/۹ من یا فی؛
ح یک ۱۰/۵ تصورات ما یا تصورات اما؛ ح یک ۱۱/۱۲ فی
العقل تصور یا فی العقل متصور؛ ح یک ۱۲/۱۵ الامر الحاصل
یا العلم الحاصل؛ ح یک ۱۴/۱۰ یحتاج الی المنطق یا یحتاج
الیه المنطقی؛ ح یک ۱۴/۱۲ مقابله یا مقابلة؛ ح یک ۱۴/۱۵؛
التي ینتقل یا التي لا ینتقل؛ ح یک ۱۴/۱۹ معلوم یا المعلوم؛ ح
یک ۱۵/۵ السریرة یا السریر؛ ح یک ۱۵/۱۸ جهتهما یا جهتیهما؛
ح یک ۱۶/۱۲ الشیء کما هو یا الاشیاء کما هی؛ ح یک
۱۶/۲۰ الاختلاف یا الاختلاط؛ ح یک ۲۲/۳ کذلک یا لذلك؛
ح یک ۲۲/۳ بتوسط وضعه له یا بتوسطه لوصعه له؛ ح یک
۲۲/۱۲، ۲۳/۱۱، ۱۶، ۲۳/۱۱ بجزئه یا بجزئیه؛ ح یک ۲۳/۵، ۹ جزؤه یا
جزء؛ ح یک ۲۵/۲۰ الکلمات و قسیمیها یا الکتب و قسیمیها؛
ح یک ۲۶/۳ ترکیه یا ترکیهها؛ ح یک ۲۶/۳ اللذین یا اللذان؛
ح یک ۲۷/۱ رسمها یا رسمیهما؛ ح یک ۲۷/۱۳ مدلول یا
المدلول؛ ح یک ۲۸/۸ منعه یا منعت؛ ح یک ۲۹/۲ ما یا لما؛ ح
دو ۳/۱۱ العلم یا التعلیم یا التعلیم؛ ح دو ۵/۷ بل الحس معاونه
یا بل للحس معاونة؛ ح دو ۶/۲ یعلم یا تعلم؛ ح دو ۶/۱۷ منه
کذلک یا منه ما کذلک؛ ح دو ۷/۲۰ فبالجوهر یا فالجوهر؛ ح
دو ۲۱-۷/۲۰ یخرج السطح یا یخرج السطح؛ ح دو ۸/۹ عرّفه
یا عرّف؛ ح دو ۸/۲۰ بالسطح یا بالجسم؛ ح دو ۱۲/۱۳ و کل ما
یا و کلما؛ ح دو ۱۳/۷ و نفرض خطان یا و یفرض خطان؛ ح دو
۱۵/۵ احد الدائرتین یا احدى الدائرتین؛ ح دو ۱۵/۱۵ التزموا یا
الزمو؛ ح دو ۲۱/۷ ولمانع یا والمانع؛ ح دو ۲۱/۷-۸ التمكن من
الجزء یا التمكن من الجزء؛ ح دو ۲۱/۱۸-۱۹ لا تصور لخروجه
یا لا یصور خروجه؛ ح دو ۲۳/۹ جزی یا جزئی؛ ح دو ۲۵/۱ و
الاعظام یا فی الاعظام؛ ح دو ۲۵/۱ انه هو شیء ما یا انه شیء ما؛
ح دو ۲۶/۱۱ و لا الانفصال یا و الانفصال؛ ح سه ۴/۱۰؛ کذلک

ردیف	نسخه‌های خطی	سال
۱	استانبول، شهید علی پاشا ۱۷۴۰ ^{۸۵}	۶۸۶
۲	استانبول، احمد ثالث ۳۲۸۴ و استانبول، ینی جامع ۷۶۶ ^{۸۶}	۶۸۵-۸۶
۳	استانبول، فیض الله افندی ۱۱۹۵ ^{۸۷}	۶۹۶-۹۷
۴	اورشلیم، یهودا ۳۰۱ ^{۸۸}	۷۰۲
۵	لیدن OR137 ^{۸۹}	۷۳۶

جدول ۴: نسخه‌هایی که می‌بایست در چاپ آقای حبیبی در نظر گرفته می‌شده ولی نشده است.

متنی که آقای حبیبی آن را اساس قرار داده در مجموع متنی منسجم است، اما به نظر من انتخاب نسخه‌هایش، اجازه داوری نهایی را درباره قرائت‌های دشوار و غیر یقینی به ما نمی‌دهد. و چنین قرائت‌هایی وجود دارد. من همه این کتاب را نخوانده‌ام، بنابراین نمونه‌هایی از این قرائت‌ها را که به مطالعه بیشتر نیاز دارند انتخاب کرده‌ام. این قرائت‌ها به سی صفحه نخست یا همین حدود از هر کدام از این سه جلد و در مجموع نود صفحه مربوط می‌شود. مواردی وجود دارد که در آن اختلافات از گزینه‌هایی ناشی می‌شود که سرچشمه‌اش به ذوق و سلیقه مصحح (که همیشه معیاری خطرناک است) برمی‌گردد، حال آن که در موارد دیگر اختلافات نشان‌دهنده اختلاف از به کارگیری ترتیبی دیگر است. به نظر می‌رسد از این سه جلد متن الهیات کمتر از بقیه بحث‌انگیز است. ولی این در نگاه اول و تنها مبتنی بر نمونه‌ای کوچک است. در هر مورد، نخستین قرائت قرائتی است که مصحح انتخاب کرده است، در حالی که دومین قرائت، پس از «یا»، قرائت دیگری است که در نسخه‌های خطی دیگر پیدا می‌شود، و این یا در پانویست تصحیح آمده، یا در نسخه خطی لیدن OR 137، که

۸۴. در مورد جزئیات مربوط به این نسخه‌ها، ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، 1.1.2 A Jewish Philosopher of Baghdad.

۸۵. چرا که قسمت طبیعیات یا نسخه‌ای که بر خود ابن‌کُمونه خوانده شده بود مقابله شده بود.

۸۶. این‌ها در مجموع یک نسخه را تشکیل می‌دهند. درباره قدمت آن‌ها ر.ک: اثر پورجوادی و اشمیتکه، 68. A Jewish Philosopher of Baghdad.

۸۷. زیرا در تیریز استنساخ شده بود.

۸۸. زیرا در اصفهان استنساخ شده بود.

۸۹. زیرا در مشهد استنساخ و با نسخه‌های خطی دیگر مقابله شده بود.



یا لذلک؛ ح سه ۴/۱۴ علم جر الاتقال یا علم حركة الاتقال؛ ح سه ۵/۷ الاعتقاد الیقینی یا الاعتقاد الیقین؛ ح سه ۵/۸-۹ رأی و اعتقاد یا اعتقاد و رأی؛ ح سه ۷/۱۳ و کیفیاتها یا و کیفیاتها؛ ح سه ۹/۹ التي یا الذی؛ ح سه ۱۱/۱۷ لیست یا لیس؛ ح سه ۱۱-۱۲/۱۰ و أخذ... فغلط یا و أخذ... فغلط؛ ح سه ۱۵/۹-۱۰ النفی و الاثبات یا الاثبات و النفی؛ ح سه ۱۹/۴ مطلقه یا مطلقاً؛ ح سه ۱۹/۱۲ و قد فرغت یا و قد عرفت؛ ح سه ۱۹/۲۱ یُسَمی یا فیُسَمی؛ ح سه ۲۰/۷ محل یا المحل؛ ح سه ۲۵/۱۵ کما یا کل ما؛ ح سه ۲۶/۴ نظراً یا نظر.

بدون تردید این تصحیح بهترین چایی است که تا کنون از آن منتشر شده است، اما عدم توجه مصحح به تحقیقات پیشین را یک سره غیر قابل قبول می‌دانم. و انتخاب و ارزیابی‌اش از این نسخه‌های خطی نیز به ما اجازه نمی‌دهد چاپ حاضر را، چنان که ممکن است از نمونه‌های ذکرشده بالا استنباط شود، چایی نهایی بدانیم. بدین سان، ما هنوز مشتاق دیدن چایی نهایی از این متن مهم هستیم.

بخش پنجم، تلویحات سهروردی تصحیح آقای حبیبی

تصحیح شرح ابن کمونه مشکلاتی دارد، زیرا ما با شرح بر متنی سروکار داریم که با وجودی که در بیشتر نسخه‌های آن انسجام دارد^{۹۰}، تنها قسمتی از آن تصحیح شده است^{۹۱}. هرچا آقای موسوی از آن قسمت از تلویحات تصحیح فیاض و کربن استفاده کرده، آقای حبیبی تنها کربن را ذکر می‌کند^{۹۲}. آقای حبیبی برای تصحیح شرح ابن کمونه خود، از یک نسخه از خود تلویحات استفاده کرده است، یعنی نسخه مجلس ۱۱۴،

که قدیم‌ترین نسخه تاکنون شناخته شده از این رساله است (رک زیر، جدول ۵). نمی‌دانم ایشان چرا شماره برگ‌های این نسخه مهم را ذکر نمی‌کند (۱۵۰). نیز متوجه نمی‌شوم که چرا بلافاصله نمی‌گوید که سه صفحه اول این نسخه با دستخط بعدی دیگری نوشته شده است^{۹۳}. وی در پانوشت به طور گذرا از آن یاد می‌کند^{۹۴}، اما به نظر من این به هیچ وجه متقاعدکننده نیست. خلاصه، از ایشان انتظار داشتیم اندکی می‌گفت که در فهرست آمده است که قسمتی از طبعیات نسخه مجلس ۱۱۴، افتاده است^{۹۵}. این هم خیلی مهم است، زیرا با یک توزق در کتاب این اندیشه برای من حاصل نشد.

آقای حبیبی در کنار شرح ابن کمونه، تصحیحی از خود تلویحات نیز فراهم کرد. این تصحیح تقریباً هم‌زمان با^{۹۶} انتشار شرح ابن کمونه بر تلویحات منتشر شد^{۹۷}. اما من وقتی به مقدمه کتاب و خود تصحیح مراجعه کردم، با تعجب فراوان دیدم که تقریباً هیچ چیز تغییر نکرده است. نسخه خطی واحدی از خود تلویحات، با رونوشت‌های واحدی از شرح تلویحات ابن کمونه که در تصحیح به کار رفته در این جا بازبینی شده است^{۹۸}. تنها امکان استفاده از نسخه دمشق وجود نداشته، زیرا متن تلویحات را ندارد بلکه تنها تکرار برخی از عبارات و واژه‌هاست^{۹۹}. آقای حبیبی مانند گذشته تصحیح الهیات تلویحات به کوشش کربن را نیز اضافه می‌کند^{۱۰۰}. بنابراین، در عمل این همان متنی است که به صورت بخشی از تصحیح شرح تلویحات ابن کمونه منتشر شد. گمان می‌کنم آقای حبیبی نمی‌بایست برای انتشار تلویحات این راه را طی می‌کرد. و این تنها از آن روی نیست که بسیاری

۹۰. در نسخه اورشلیم، Jewish National and University Library, Yahuda Collection Ar 201 متن اصلی تلویحات ظاهراً پیش از شرح می‌آید (ضیائی و الوشاح، ابن کمونه، التتقیحات فی شرح التلویحات، مقدمه ۴۷-۴۶)، در حالی که نسخه دمشق، ظاهره ۷۸۸۵ تنها عبارات کوتاهی را درج می‌کند (حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۱، ص پنجاه و نهم).

۹۱. رک: تصحیحات کربن و فیاض که پیشتر در این مقاله ذکر شد.

۹۲. حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، ج ۳، ص بیست و هشت.

۹۳. یوسف اعتصامی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، مطبوعات کتابخانه، ج ۲ (تهران، ۱۹۳۳)، ص ۵۹.

۹۴. ارجاع آن را می‌توان در صفحه ۲۸، شماره ۹ جلد اول تصحیح شرح التلویحات ابن کمونه، و در صفحه ۸، شماره ۵ تصحیح تلویحات مشاهده کرد.

۹۵. اعتصامی، فهرست، ج ۲، ص ۵۹.

۹۶. نجفقلی حبیبی، شهاب‌الدین سهروردی: التلویحات اللوحیه و العرشیه، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۸ ش.

۹۷. همان، ص دوازده، که اشاره می‌کند شرح زیر چاپ است.

۹۸. همان، ص سی و هشت تا سی و نه.

۹۹. حبیبی، شرح التلویحات اللوحیه و العرشیه، تألیف ابن کمونه، ج ۱، ص پنجاه و نه.

۱۰۰. حبیبی، شهاب‌الدین سهروردی: التلویحات اللوحیه و العرشیه، ص سی و نه.



از نسخه‌های آن باقی مانده‌اند. وانگهی، شرح ابن کمونه بر آن مبتنی بر نسخه یا نسخه‌هایی بوده که وقتی شرح خود را نوشته آن‌ها را در اختیار داشته است. اما چه کسی می‌گوید که او به بهترین نسخه یا نسخه‌ها دسترسی داشته است؟ وقتی ابن کمونه در سال ۶۶۷ هجری شرح خود را به پایان رساند، مدت هشتاد سال از مرگ سهروردی گذشته بود، در حالی که تلویحات باید چند سال پیش از مرگش کامل شده باشد. بنابراین، چندین سال بین اتمام اصل تلویحات و مراجعه ابن کمونه به یک نسخه یا نسخه‌هایی از متن گذشته بود. ما نمی‌دانیم احتمالاً چند نسخه واسطه وجود داشته است. بدین‌سان من به هیچ وجه در تعجب نیستم که چرا قدیم‌ترین نسخه شناخته‌شده از تلویحات که در تصحیح شرح ابن کمونه مورد استفاده قرار گرفته، کمک زیادی نکرده است. حدود یک‌صد مرتبه در پانوشت اشاره شده که قرائتی متفاوت از آنچه مصحح انتخاب کرده است دارد، اما آنچه مرا شگفت زده می‌کند این است که آقای حبیبی تصمیم گرفته چاپ مستقلی از تلویحات را منتشر کند که عین متنی است که آن را برای شرح ابن کمونه بر تلویحات، اساس قرار داده است. فکر می‌کنم به دلایلی که در بالا ذکر کردم، این نوع داوری به هیچ وجه داوری درستی نیست^{۱۰۱}.

همه این‌ها بدان معناست که چاپ تلویحات سهروردی آقای حبیبی به صورت چاپ مستقلی از این اثر قابل قبول نیست. تهیه چاپ قابل قبولی از تلویحات در صورتی ممکن خواهد بود که به همه یا بیشتر نسخه‌های موجود از خود تلویحات مراجعه شود. به نظر من توسل به شرح‌های ابن کمونه و شهرزوری فقط در صورتی قابل قبول است که از همه گزینه‌های در دسترس استفاده شده باشد. در پایان این مقاله و برای راحتی کار کسی که می‌خواهد در آینده به تصحیح تلویحات سهروردی پردازد، در این جا فهرستی از نسخه‌های خطی را که من تاکنون با آن‌ها برخوردادم، ارائه می‌دهم^{۱۰۲}:

ردیف	نسخه‌های خطی	سال
۱	تهران، مجلس ۱۱۴	۱۳۶۰۷
۲	لیدن OR 2/2541	قبل از ۱۶۵۰
۳	برلین ۵۰۶۲	۱۰۵۶۵۱
۴	کتابخانه ملی ملک ۹۳۵	۱۰۶۶۶۱
۵	استانبول، انیورسیتیه AY 4494	۱۰۷۶۷۰
۶	استانبول، احمد ثالث ۳۲۵۲	۱۰۸۶۷۹
۷	شیراز، بنیاد فارس‌شناسی ۱۰۱	قرن هشتم ^{۱۰۹}
۸	اورشلیم، یهودا ۲۰۱	۱۱۰۷۰۲
۹	استانبول، لالی ۲۴۸۷	۱۱۱۷۱۱
۱۰	استانبول، Carullah 996	۱۱۲۷۲۰
۱۱	استانبول، راغب ۱۴۸۰	۱۱۳۷۳۱/۷۳۴
۱۲	استانبول، ایاصوفیه ۲۳۹۲	۱۱۴۷۳۲
۱۳	استانبول، احمد ثالث ۳۲۶۶	قرن نهم ^{۱۱۵}
۱۴	استانبول، احمد ثالث ۳۲۱۷	۱۱۶۸۶۵
۱۵	تهران، مجلس ۳۵۷۲/۲	۱۱۷۱۰۱۵
۱۶	تهران، مجلس ۳۵۷۲/۳	۱۱۸۱۰۱۵
۱۷	استانبول، نورعثمانیه ۲۶۶۰	۱۱۹۱۰۸۳
۱۸	مشهد، آستان قدس رضوی (۵۳) ۵۲	۱۲۰۱۰۹۰
۱۹	بانکیور، ۲۶۳۱/۴	حدود ۱۱۰۰ ^{۱۲۱}
۲۰	قاهره، دارالکتب، احمد تیمور، حکمت ۱۳۰	۱۲۰۰ ^{۱۲۳}
۲۱	تهران، مجلس ۱۱۵	۱۲۳۱۳۲۱
۲۲	استانبول، احمد ثالث ۳۲۸۱	بدون تاریخ ^{۱۲۴}
۲۳	قاهره، دارالکتب، احمد تیمور، حکمت ۱۱۹	بدون تاریخ ^{۱۲۵}
۲۴	قاهره، دارالکتب، احمد تیمور، حکمت ۱۲۰	بدون تاریخ ^{۱۲۶}
۲۵	تهران، مجلس ۴۹۰۰/۹۲	بدون تاریخ ^{۱۲۷}
۲۶	تهران، مجلس ۳۵۷۲/۴	بدون تاریخ ^{۱۲۸}

جدول ۵: نسخه‌های خطی تلویحات سهروردی

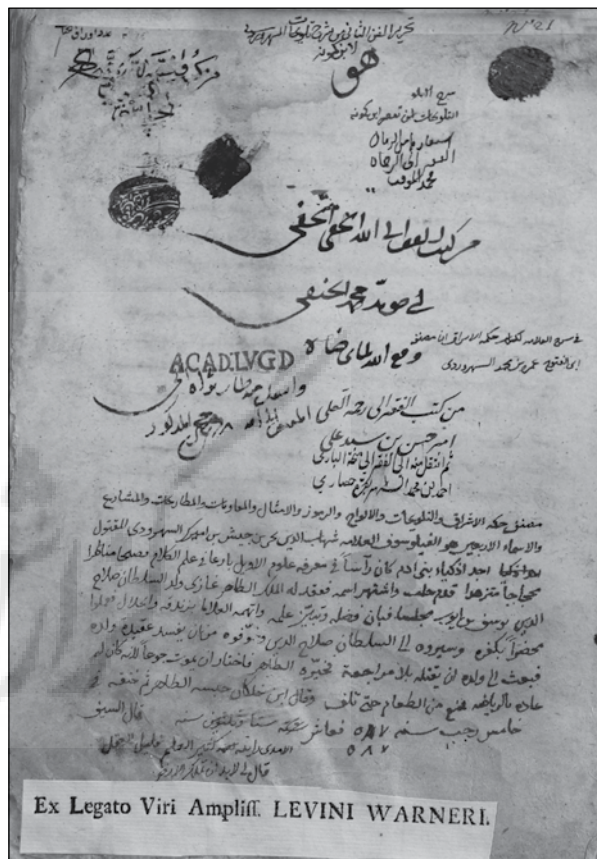
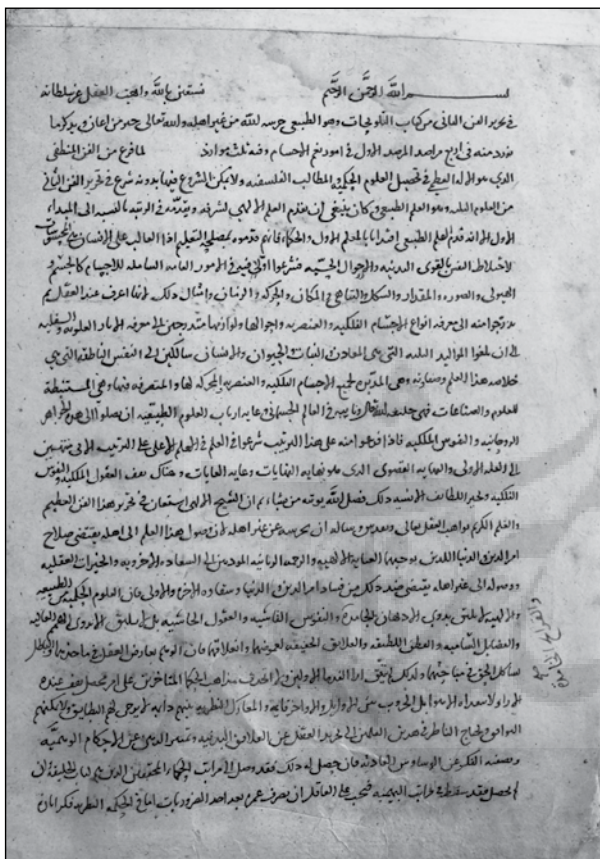


۱۰۱. آقای حبیبی نخستین کسی نیست که شواهدی را از سنت‌های گوناگون جمع می‌کند. هانری کربن در شرح خود بر تلویحات نیز همین کار را کرده است. ر.ک: کربن، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص Lxxiii-Lxii.
۱۰۲. ممکن است نسخه دیگری هم وجود داشته باشد که در ۴۶ برگ اول کتابخانه حکیم اوغلی علی پاشا ۸۵۴، نگهداری می‌شود. در مورد آن، ر.ک: پورجوادی و اشمیتکه، *A Jewish Philosopher of Baghdad*, 73.
۱۰۳. اعتصامی، فهرست، ج ۲، ص ۵۸-۵۹. حبیبی، شرح التلویحات اللوحیة و العرشیة، تألیف ابن کمونه، ج ۱، ص پنجاه و هشت؛ همو، شهاب‌الدین سهروردی: التلویحات اللوحیة و العرشیة، سی و هشت.
۱۰۴. ویتکم، *Inventory*، ج ۳ (لیدن، ۲۰۰۸)، ص ۱۵۵، مراجعه شده به سایت: <http://www.islamicmanuscripts.info/inventories/leiden/index.html> در ۲۶ دسامبر ۲۰۱۱؛ ۳۶۲، Voorhoeve, handlist. قطعه‌ای منطبق با ابتدای الهیات تلویحات. ر.ک: حبیبی، شهاب‌الدین سهروردی: التلویحات اللوحیة و العرشیة، ۱۵/۱۸۵-۱۷۳/۲.
۱۰۵. W. Ahlwardt, *Verzeichnis der arabischen Handschriften der Königlichen Bibliothek zu Berlin*، ج ۴ (برلین، ۱۸۹۲)، ص ۴۰۲-۳۹۹. به گفته آلوارت اواخر این نسخه ناقص است. به نظر من چنین نیست. آقای حبیبی در شرح التلویحات اللوحیة و العرشیة، تألیف ابن کمونه، ج ۳، ص ۱، شماره ۶، توضیح درستی داده است؛ همو، شهاب‌الدین سهروردی: التلویحات اللوحیة و العرشیة، ۱۷۳، شماره ۶. آلوارت در اواخر این مدخل فهرستش نیز قطعه‌ای از این متن را ذکر می‌کند که تنها یک صفحه را دربر می‌گیرد.
۱۰۶. ایرج افشار و محمد تقی دانش‌پژوه (زیرنظر)، فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۱، (تهران، ۱۳۵۲ ش.)، ۱۷۱-۱۷۰.
۱۰۷. ریتز، «فقه اللغة نه». دست‌نویس‌های آثار چهار سهروردی در...، ص ۲۷۲.
۱۰۸. همان، صفحاتی از انتهای آن افتاده است.
۱۰۹. درایتی، فهرستواره، ج ۳، ص ۳۰۹، شماره ۶۸۶۵۲.
۱۱۰. ضیائی و الوشاح، اثری که ذکر شد، ۴۷-۴۶؛ پورجوادی و اشمیتکه، اثری که ذکر شد، ۷۶.
۱۱۱. ریتز، «فقه اللغة نه». دست‌نویس‌های آثار چهار سهروردی در...، ص ۲۷۲.
۱۱۲. همان، بخش‌های دوم و سوم را دارد. با نسخه خود ابن کمونه مقابله شده است.
۱۱۳. همان.
۱۱۴. پورجوادی و اشمیتکه، *A Jewish Philosopher of Baghdad*, 69.
۱۱۵. ریتز، «فقه اللغة نه». دست‌نویس‌های آثار چهار سهروردی در...، ص ۲۷۲. ظاهراً از نسخه احمد ثالث ۳۲۵۲۱ استنساخ شده است.
۱۱۶. همان.
۱۱۷. عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱/۳ (تهران، ۱۳۴۸ ش.)، ۱۵۴۰.
۱۱۸. همان.
۱۱۹. ریتز، «فقه اللغة نه». دست‌نویس‌های آثار چهار سهروردی در...، ص ۲۷۳. ریتز می‌افزاید: «یک تا سه». معلوم نیست که آیا مقصود هر سه بخش یا بخش یک و سه است.
۱۲۰. سید علی اردلان جوان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱، (چاپ دوم، مشهد، ۱۳۶۵ ش.)، ۶۹-۶۷.
۱۲۱. مولوی عبدالحمید، فهرست دستی کتب قلمی... خدابخش (کتابخانه عمومی شرقی بانکپور)... مسمی بمفتاح الكنوز الخفیة، ج ۲، (پاتنا، ۱۹۹۲)، ۴۵۶.
۱۲۲. احمد بن عبدالمجید، فهرس مخطوطات دار الکتب المصریة قائمة بمخطوطات الحکمة و الفلسفة بمکتبات حلیم و تیمور و طلعة بدار الکتب و الوثائق القومیة بالقاهرة، در المورد ۵/۱۹۷۶ (۲۴۸-۲۳۸)، که آمده است: «۱۷۷ ص»، که باید مختصر «۱۷۷ صفحه» باشد. به گفته بروکلان، *Geschichte der arabischen Literatur*، [تاریخ متون عربی]، ج ۱ (چاپ دوم، لیدن، ۱۹۴۳)، ۵۶۵، این نسخه خطی فقط طبیعیات و الهیات را دارد. ابن عبدالمجید در این باره چیزی نمی‌گوید.
۱۲۳. اعتصامی، فهرست، ج ۲، ص ۵۹.
۱۲۴. ریتز، «فقه اللغة نه». دست‌نویس‌های آثار چهار سهروردی در...، ص ۲۷۳، فقط بخش اول را دارد. صفحاتی از انتهای آن افتاده است.
۱۲۵. ابن عبد المجید، فهرس، ۲۴۲، که آمده است: «ق ۸۲»، که باید مختصر «ورقة ۸۲»، باشد. نمی‌دانم «ج ۲» به چه معناست: احتمالاً فقط شامل بخش دوم، یا دو بخش است. تحقیقات بیشتری باید صورت گیرد.
۱۲۶. همان.
۱۲۷. درایتی، فهرستواره، ج ۳، ص ۳۰۹، شماره ۶۸۶۵۷، قطعه.
۱۲۸. حائری، فهرست، ۴۱-۱۵۴۰، قطعه.



پیوست

شرح شهرزوری بر تلویحات در نسخه خطی لیدن 578 OR



جزء ۲، نسخه خطی لیدن 578 OR، برگ a1، آغاز طبیعیات.

جزء ۱، نسخه خطی لیدن 578 OR، برگ a1، صفحه عنوان.



دوره دوم، سال ششم، شماره پنجم و ششم، آذر - اسفندماه ۱۳۹۱

